

ارزیابی و نقد مقالات حوزه ادبیات عصر میانه

ابراهیم نامداری*

چکیده

صاحب نظران در زمینه رعایت استانداردهای ساختار مقاله‌های علمی - پژوهشی، اصول، قواعد و ضوابط خاصی را در نظر دارند که پایبندی به این موارد نیازمند مهارت، تجربه و دقت فراوان می‌باشد. پژوهش حاضر، بر آن است تا به نقد و بررسی ساختار ۶ مقاله چاپ شده در مجله ادب عربی دانشگاه تهران در حوزه ادبیات عصر میانه، و میزان انطباق آن با استانداردهای مقاله‌های علمی - پژوهشی بپردازد. بررسی استانداردهای مربوط به ساختار مقاله‌های علمی - پژوهشی در این ۶ مقاله حاکی از آن است که برخی از مقالات دارای نواقصی از قبیل: کلی بودن عنوان، نداشتن روش و هدف پژوهش در چکیده، ضعف در انتخاب واژه‌های کلیدی، مشخص نبودن پرسش‌های اصلی، اشاره نکردن به پیشینه پژوهش و کلیشه‌ای و کلی بودن نتیجه‌هاست. از سوی دیگر تعدادی از مقاله‌های بررسی شده نیز دارای نقاط قوت و استانداردهای لازم می‌باشند که از جمله‌ی آن می‌توان به ارائه‌ی عمقی مبانی نظری پژوهش، رویکرد انتقادی و تحلیل محور، نوآوری، انطباق محتوای اثر با عنوان، استناد به منابع معتبر و داده‌های به روز و... اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: عصر میانه، نقد، انطباق محتوا با عنوان، تحلیل ادبی.

۱. مقدمه

گاه به عنوان محقق، با موضوعاتی روبه‌رو می‌شویم که عامه مردم به دید خودشان به آنها می‌نگرند و ما با تحقیقات خود، می‌خواهیم آن موضوعات را به شکل دیگری بشناسانیم و در پیشبرد علم و دانش گامی برداریم و با این کار، ایشان را به راه درست، راهنما باشیم. از طرفی هم اهمیت پژوهش در اعتلای دانش تا حدی است که به جرأت می‌توان گفت بدون پژوهش، دانش هیچ‌گونه پیشرفتی نخواهد داشت؛ این آگاهی و پیشرفت هنگامی حاصل می‌شود که نتایج حاصل از پژوهش به صورت مکتوب در دسترس همگان باشد و

*استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور enamdari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۵

پژوهش‌گر با بهره‌گیری از خلاقیت، بینش و استدلال منطقی حاصل تلاش‌های خود را با دیگران به مشارکت گذارد.

حال برای به اشتراک گذاشتن این مطالب، رعایت اصول وقواعد مقاله‌نویسی الزامی است؛ چراکه گام نهایی در انجام یک فرایند پژوهشی، نوشتن و عرضه آن است. در این میان برای عرضه‌ی یافته‌های پژوهش راه‌هایی وجود دارد که از جمله آن‌ها پایان‌نامه، طرح‌های پژوهشی، متون آموزشی و مقاله‌هایی است که در همایش‌ها به صورت سخنرانی، پوستر و یا چاپ، عرضه می‌شوند؛ البته مقاله‌های علمی-پژوهشی با توجه به اعتبار علمی از جایگاه والایی برخوردار هستند. مقاله علمی-پژوهشی «نوشته‌ای، به نثر، نشان دهنده نظر نویسنده در موضوعی خاص و محدود، رغبت انگیز، با نثری روشن و رسا، شامل ارجاع‌های لازم با ساختاری منسجم شامل مقدمه، متن یا بدنه و نتیجه همراه کتاب‌شناسی مناسب است» (موحد، ۱۳۸۷: ۲۰) بر این اساس بررسی کیفیت شاخص‌های اصلی و مهم ساختار مقاله‌ها (چکیده، مقدمه، بدنه، نتیجه، منابع و...) از جانب پژوهش‌گران، اصلی‌ترین مشخصه‌هایی است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است. در این جستار نگارنده ساختار ۶ مقاله علمی - پژوهشی چاپ شده در مجله ادب عربی دانشگاه تهران را مورد نقد، بررسی و ارزیابی قرار داده است. هدف اصلی این پژوهش، تبیین کیفیت ساختار این ۶ مقاله از طریق شناسایی نقاط قوت و ضعف آن‌ها با تأکید بر رعایت استاندارد تعاریف مقاله‌های علمی پژوهشی در جهت ارتقای سطح علمی پژوهش‌های آینده می‌باشد. این مقاله‌ها که همگی در زمینه‌ی تحلیل ادبیات عصر میانه نگاشته شده‌اند به ترتیب سال چاپ عبارتند از:

ردیف	مشخصات مقاله‌ها
مقاله شماره یک	شرح حال ابن هانی شاعر شیعی اندلسی (۳۶۲-۳۲۰ هـ ق) تألیف دکتر علیرضا محمدرضایی، بهار ۱۳۸۰، ش ۱۵۷
مقاله شماره دو	نگاهی به علل گسترش طنز در قرن چهارم هجری قمری تألیف دکتر بیژن کرمی، زمستان ۱۳۸۵، ش ۱۸۰
مقاله شماره سه	دلایل اصلی پیدایش موشح در اندلس تألیف دکتر فیروز حریرچی وحسینعلی اصغری متی کلایبی، پاییز وزمستان ۱۳۸۸، ش ۱
مقاله شماره چهار	بررسی مختصر ارکان دبیرخانه مرکزی دولت در عصر ممالیک بر اساس کتاب صیح الأعشی تألیف دکتر عبدالحسین فقهی وسید اسماعیل قاسمی موسوی، پاییز وزمستان ۱۳۸۸، ش ۱
مقاله شماره پنج	تضمین وگونه‌های آن در چکامه‌های صفی‌الدین حلی تألیف نرگس گنجی وفاطمه اشراقی، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ش ۱
مقاله شماره شش	بینامتنیت دینی در غزل‌های مادی الشاب الظریف تألیف محمود حیدری، نادیا دادپور و مریم السادات میرقادری، پاییز وزمستان ۱۳۹۲، سال پنجم، ش ۲

سوال‌های پژوهش:

- ۱- ساختار و ترکیب ۶ مقاله بررسی شده تا چه اندازه با استانداردهای مقاله‌های علمی-پژوهشی همخوانی دارد؟
 - ۲- نقاط قوت و ضعف ساختار این مقاله‌ها چیست؟
 - ۳- چرا روش‌های ارجاع در ۶ مقاله مورد بررسی یکسان نیست؟ آیا بخاطر نبود شیوه نامه ارجاع در مجله است یا کم دقتی نویسندگان؟
- پیشینه‌ی تحقیق:

در زمینه‌ی پژوهش‌های مرتبط با زبان و ادبیات عربی تاکنون تحقیقات ارزشمندی درباره‌ی بررسی مقاله‌های علمی پژوهشی به رشته تحریر درآمده است؛ که می‌توان به مقاله «تحلیلی گزارش‌گونه از مقالات چاپ شده‌ی مجله انجمن زبان عربی» (میرزایی و دیگران، ۱۳۸۷) و مقاله «نقد و تحلیل مقالات علمی - پژوهشی گروه زبان و ادبیات عربی ایران از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶» (طاهری نیا و بخشی، ۱۳۸۸) و مقاله «نقدی بر انتخاب موضوع و عنوان مقاله در مجلات علمی - پژوهشی زبان و ادبیات عربی» (صادق عسکری، ۱۳۸۹) اشاره کرد.

در پژوهش‌های مذکور نگارندگان بیشتر به تحلیل کمی و شکلی و گزارش آماری مقالات از زوایای مختلف پرداخته‌اند، در حالی که در این مقاله به بررسی تحلیلی و کیفی ساختار این ۶ مقاله‌ی علمی - پژوهشی با تکیه بر استانداردهای تعریف شده پرداخته شده‌است.

۲. ارزیابی ساختار مقاله‌ها

در بررسی به عمل آمده چنین ملاحظه گردید که پیکره‌ی هر ۶ مقاله‌ی مورد بحث به ترتیب از بخش‌های عنوان، چکیده، کلیدواژه، مقدمه، بدنه‌ی اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت و منابع تشکیل شده است. دوم این که بیشتر نویسندگان محترم بخش‌های موجود در بدنه‌ی اصلی مقاله را با نظم و ترتیب منطقی یکی پس از دیگری آورده‌اند. هر یک از این بخش‌ها را به شکل جداگانه مورد تحلیل قرار خواهیم داد:

۲-۱. عنوان

همواره محقق باید موضوعی برگزیند که بتواند با امکانات مادی و بودجه موجود، سطح علمی کنونیش، منابع و کتابخانه‌هایی که در دسترس اوست، وقتی که برای انجام پژوهش در اختیار دارد، و دیگر شرایط زندگی شخصی خود از عهده انجامش برآید. نخستین

مرحله در تدوین یک مقاله‌ی علمی-پژوهشی انتخاب یک عنوان مناسب برای پژوهش است. عنوان نخستین وسیله‌ای است که نویسنده با آن، هویت پژوهش خود را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

در مقاله‌های پژوهشی از مهم‌ترین ویژگی‌های عنوان عبارتند از: وضوح، کوتاهی و فشردگی، کلیشه‌ای نبودن و برانگیختن توجه خواننده. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۱۶۲) با وجود این که تقریباً همه‌ی ویژگی‌های برشمرده شده در این ۶ مقاله موجود است اما اندک نواقصی در برخی از عنوان‌ها به چشم می‌خورد. مثلاً در عنوان مقاله شماره دو عنوان ایجاز وجود ندارد چراکه به طور کلی به طنز پرداخته شده است و مشخص نکرده است که طنز سیاسی است یا اجتماعی یا فردی یا...؟ همچنین در مقاله شماره چهار می‌بینیم که عنوان مقاله بسیار طول و تفصیل دارد از طرفی ارکان دبیرخانه مرکزی دولت را بررسی می‌کند آن هم به صورت مختصر؛ از دیگر سو عصر ممالیک را به آن افزوده و سپس بر اساس کتاب صبح الأعرشی قلقتندی، به شرح و توصیف آن پرداخته است، بنظر می‌رسد هر کدام از این بخش‌ها می‌تواند بصورت مجزا موضوع مقاله ای باشد.

۲-۲. چکیده

چکیده مقاله، هرگز خلاصه مقاله، یا مقدمه مقاله نیست. حجم آن هم در حدود دویست کلمه است و هرگز نباید از یک پاراگراف بیشتر باشد. نباید ضمن چکیده مباحثی را همچون مقدمات بحث طرح کرد که لزوماً پذیرفته نیستند و نیازمند اثباتند و ما خود قرار است آنها را اثبات کنیم. هدف از نگارش چکیده مقاله، قبل از هر چیز، تبیین ضرورت و مقدمات بحث به بیانی ساده، برای دانشجویانی از رشته‌های مختلف است؛ دانشجویانی که با عنوان مقاله پژوهشی آشنا شده‌اند، اما نمی‌دانند مطالعه آن به کارشان می‌آید یا نه.

چکیده هر چند کوتاه است اما باید متضمن نکات اصلی باشد. «چکیده هدف از انجام کار، نتایج به دست آمده، معنا و اهمیت انجام پژوهش را در بر می‌گیرد». (استاپلتون، ۱۳۷۲: ۵۱) چکیده مقاله، باید این مسائل را توضیح دهد؛ (۱) ضرورت بحث؛ (۲) جایگاه آن در طبقه‌بندی علوم و این که این بحث، خود ذیل کدام دانش می‌گنجد؛ (۳) این که این بحث در میان مباحث آن شاخه از علم، چه جایگاه و چه ضرورت و اهمیتی دارد و دانستن پاسخ پرسشهایش، به حل کدامین مشکلات یاری می‌رساند؛ (۴) ارتباط بحث با دانشهای دیگر؛ (۵) رویکرد محقق در تحلیل مسئله مورد بحث؛ (۶) روش وی برای تحلیل مسئله از آن رویکرد. باید با استفاده بهینه از حجم، به تک تک این موضوعات اشاراتی واضح و گویا

داشت؛ مگر آن که چنان واضح و بدیهی باشند که نیازی به این اشاره نباشد. چهار قسمت اصلی چکیده: اهداف پژوهش، روش تحقیق، یافته‌های پژوهش و کاربرد آن می‌باشد. چکیده‌ی مقاله‌های شماره دو و چهار، فاقد هدف و روش بوده و غالباً شبیه به مقدمه‌ای کوتاه می‌باشند. مقاله شماره چهار علاوه بر نداشتن هدف و روش، مسأله را به خوبی بیان نکرده است به طوری که در چکیده هیچ اشاره به دبیرخانه مرکزی دولت نشده است در حالی که مسأله محوری مقاله است و در عوض «دیوان انشاء» ذکر شده است که توضیح آن میان پراتز بر ابهام دیوان انشا افزوده است چنان‌که می‌بینیم (دبیر خانه‌ای که مکاتبات غیر مالی و غیر نظامی در آن نوشته می‌شده است). همچنین بخش اعظم چکیده به معرفی کتاب صبح الأعشی پرداخته است گویی موضوع مقاله شناساندن صبح الأعشی به خوانندگان است (کتاب صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء یکی از بزرگترین دایرة المعارف هایی است که تا قرن نهم هجری در تمدن اسلامی به وجود آمده است ... نویسنده این کتاب احمد بن علی قلقشندی، سال‌ها در دیوان انشاء مشغول بوده است). (چکیده ص ۱۵۵).

۳-۲. کلیدواژه

کلمات کلیدی، کلماتی هستند که به بهترین وجهی حاکی از موضوعات اصلی و فرعی مقاله‌اند، اما در عنوان مقاله و چکیده، ذکر نشده‌اند. هدف از انتخاب آنها این است که اگر کسی در باره موضوعی مطالعه می‌کرد که به مقاله ما ربطی داشت ولی در عنوان و چکیده اسمی از آن موضوع نیامده بود، بتواند با جستجوی آن کلمه، مقاله ما را که در کلمات کلیدیش، آن کلمه را جا داده‌ایم، بیابد. در پایان چکیده ۳ تا ۱۰ واژه‌ی کلیدی آورده می‌شود. کلیدواژه‌ها باید با واژه‌های اصلی عنوان و مسأله‌ی تحقیق و تا حد امکان با عنوان‌های فرعی مقاله تناسب داشته و موضوع خاص مقاله را به خوبی نشان دهند. در مقاله شماره یک اگر با دقت در کلید واژه‌های مقاله «شرح، حال، ابن هانی اندلسی، شاعر، شیعی» بنگریم، خواهیم یافت که دقیقاً تکرار واژه‌های عنوان مقاله است در حالی که بهتر بود کلید واژه‌ها با توجه به متن مقاله که می‌کوشد مذهب شیعه اسماعیلی وی را اثبات کند چنین باشد «ابن هانی، ادبیات متعهد، تشیع، اندلس». مقاله شماره دو شاهد کلماتی هستیم که گاه از لحاظ مفهومی خیلی به هم نزدیک هستند و یکی از آن دو کفایت می‌کند به عنوان نمونه «قرن چهارم هجری قمری، عصر عباسی»، همین طور یکی از کلید واژه‌ها «جاحظ» است، که به خواننده القا می‌کند مقاله بر محور مقالات طنز آمیز جاحظ است اما با نگاهی به متن مقاله از نویسندگان دیگری هم نمونه آورده شده است لذا بهتر است

کلید واژه‌ها رسا و دارای مفهوم کلی باشد که با کل مقاله در ارتباط باشد. جالب آن‌که در مقاله اسمی از جاحظ و آثار طنز آمیز وی نیامده بلکه نمونه‌هایی از صابی، خوارزمی و احمد الوشاء آمده است. (ص ۱۶۳)

۴-۲. مقدمه

مقدمه، نخستین بخش یک اثر پژوهشی است که در آن، پیش از ورود جدی به بحث، کوشش می‌شود معلومات پیش نیاز در اختیار خواننده قرار گیرد؛ معلوماتی که اگر آگاهی خواننده متخصص در باره هر یک از آنها کم باشد، با بحث ارتباط برقرار نخواهد کرد؛ مثل بیان هدف مطالعه، اصطلاحات بنیادین، ضرورت انجام آن، و هر چه از این دست. مقدمه، به همراه طرح مسئله، و احیاناً روش تحقیق، سه جزء اصلی مقدمه یک مطالعه علمی هستند؛ خواه این مطالعه علمی یک پایان نامه یا طرح پژوهشی باشد، یا یک مقاله کوتاه. با مطالعه‌ی کامل مقاله‌های بررسی شده چنین ملاحظه می‌شود که اکثر مقدمه‌ها فاقد بخش‌هایی از قبیل: سوال‌های پژوهش، هدف پژوهش، پیشینه تحقیق، و ضرورت پژوهش هستند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در مقاله شماره یک سوال‌های پژوهش بسیار کلیشه‌ای است شایسته است سوال‌های پژوهش دارای پاسخی مبسوط باشند؛ سوال‌های ۲ و ۱ را با انتخاب یکی از طرفین، پاسخ داده می‌شود، به عنوان نمونه سوال ۲ «آیا ابن هانی در مدت اقامت در اندلس به مذهب اسماعیلی اعتقاد داشته یا با رسیدن به دیار فاطمیان به آن گردن نهاده است؟» که دارای پاسخی بس کوتاه است، بالاخره اعتقاد وی به مذهب اسماعیلی از دو حالت خارج نیست یا در مدت اقامت در اندلس بوده و یا در دیار فاطمیان؛ لذا می‌طلبد سوال، دارای پاسخی قانع کننده و مشروح باشد. مقاله شماره دو و چهار فاقد سوال پژوهش هستند. در رابطه با پیشینه پژوهش مقاله‌های شماره یک، دو، سه و چهار، اشاره‌ای به این بخش نشده؛ همچنین مقاله‌های شماره یک، دو و چهار، خالی از ضرورت پژوهش هستند. در حالی که مقدمه‌ی یک مقاله پژوهشی مختص معرفی مسأله‌ی تحقیق، پیشینه‌ی علمی تحقیق، بیان فرضیه و استدلال و معرفی روش تحقیق است. مقدمه دروازه‌ی ورود به بدنه‌ی اصلی است و اصل ترغیب مخاطب در آن نقش اساسی دارد. دستور کلی در نوشتن مقدمه این است که آنچه نویسنده در پی اثبات یا توضیح آن است را در جمله‌ای که به آن «جمله‌ی کلیدی» می‌گویند بیاورد و به تناسب موضوع باید شامل مطالبی باشد درباره‌ی تاریخ موضوع، اهمیت موضوع و تعریف اصطلاحاتی که در بدنه‌ی

اصلی مقاله آمده است. (چادگانی پور، ۱۳۷۳: ۴۶) این مشخصه‌ای است که در مقاله‌های مذکور یافت نشد.

۲-۵. بدنه‌ی اصلی و مسأله‌محوری

در یک نگاه کلی هر یک از ۶ مقاله مورد بررسی در پی پاسخ دادن به هدفی بوده و مسأله‌ی پژوهش در چکیده و مقدمه‌ی هر کدام نمایان است. با این تفاوت که رویه‌ی مقاله‌ها در میزان مسأله‌محوری یکسان ارزیابی نمی‌شود. در مقاله شماره یک، مسأله‌ی تحقیق _ چنان چه در چکیده به صورت مختصر آمده _ مقاله بر آن است تا به ابهام‌ها، اتهام‌ها و سوال‌های برآمده از آن‌ها پاسخ گوید، یکی از این ابهام‌ها و اتهام‌ها به ابن هانی، الحاد و کفر و دراز دستی در دین بوده است و پاسخ‌هایی به آن داده‌اند از جمله مدح‌های مبالغه آمیز وی، دوستی وی با حاکم اشبیلیه و اعتقاد به مذهب تشیع و... که سبب جلای وطن ابن هانی گردید؛ در این جا نویسنده با ذکر دلایلی کوشیده است تا شیعی بودن شاعر را دلیل اصلی این ترک وطن بداند و به خوبی به مقصود خویش رسیده است. مقاله شماره دو حاوی سوال پژوهش نیست اما با توجه به عنوان مقاله می‌توان به سوال پی برد که علل اصلی گسترش طنز در قرن چهارم چه بوده است؛ که در متن اصلی مقاله زیر این عنوان پاسخی یافت نمی‌شود و نویسنده محترم به تقسیم دوره عباسی به چهار مرحله، پرداخته است که از نقص‌های اصلی مقاله حاضر به شمار می‌آید. در (ص ۱۵۲) همین مقاله زیر عنوان نگاهی گذرا به طنز در عصر جاهلی و اسلامی، فقط به ذکر داستانی از قبیله مزینه که حاضر به آزادی ثابت پدر حسان نبودند پرداخته است و دیگر اشاره‌ای به این نشده است که ویژگی‌های طنز در این دوره چگونه و از چه نوعی بوده است؛ مثلاً آیا در حد نمونه‌های کوتاه و ساده بوده است یا فراوان؟ آیا شخصی و فردی بوده یا با جامعه و قبیله آن روز سروکار داشته و یا...؟ در (ص ۱۵۳) همین مقاله زیر عنوان: نگاهی به علل گسترش طنز در قرن چهارم آمده است: «در قرن چهارم هجری، طنز و فکاهی بنا به دلایل گوناگونی که برخی از آن‌ها در پی خواهد آمد، به اوج و شکوفایی خود رسید که اگر بخواهیم این اسباب را به صورت مفصل و دقیق ارایه کنیم، مجالش بیش از این صفحات می‌طلبد». در این جا خود نویسنده، رسالت اصلی مقاله که بررسی علل گسترش طنز در قرن چهارم است، را فراموش کرده است، حال شرح مفصل اسباب بماند آیا نباید بصورت دقیق در مقاله علمی- پژوهشی، بحث کرد؟! مقاله شماره سه به خوبی توانسته است پاسخ‌هایی مبسوط و مستند به نظرات و دیدگاه‌های پیشین درباره پیدایش موشح، بدهد به طوری که مشاهده می‌شود (ص

۴) آمده است «گروهی از محققان مانند هارتمن، فراینغ و... موشح را شکل پیشرفته مسمط و مخمس می‌دانند». نویسندگان در باره این نظریه بر آنند: «اما این دیدگاه قابل انتقاد است زیرا اگر دلیل اصلی پیدایش موشح، نظام موسیقایی مسمط بوده است، باید موشح قبل از این‌که در اندلس به وجود آید در مشرق زمین به وجود می‌آمد». بنابراین اگر این دیدگاه را بپذیریم باید بگوییم در این زمان شاعرانی در اندلس بوده‌اند که در مسمط و مخمس یا رباعی مهارت کسب کرده بودند؛ اما می‌بینیم که قبل از پیدایش موشح از چنین شاعرانی خبری نیست تا بر شکل جدید تری از این نوع شعری بی‌برند. از این‌رو مقاله حاضر بسیار زیبا به حل و فصل مطالب پرداخته است و مساله تحقیق در آن به خوبی پیداست. مقاله شماره چهار را تقریباً می‌توان در زمره مقالاتی دانست که ضرورت پژوهشی ندارد، مثلاً بررسی ارکان دبیرخانه مرکزی عصر ممالیک چه دغدغه ذهنی برای خوانندگان و پژوهشگران این عرصه ایجاد می‌کند البته در صورتی‌که به نوعی سبک و اسلوب ادبی آن دوره آن‌هم بر اساس نمونه‌هایی از نامه‌های موجود در دبیرخانه، رهنمون می‌شد، باز ارزشمند تر می‌بود؛ با این اوصاف مقاله حاضر خالی از سوال است. مقاله شماره پنج به خوبی توانسته سوالاتی در رابطه با موضوع مقاله یعنی تضمین در اشعار حلی را مطرح کند و در متن اصلی مقاله هم به خوبی به پاسخ رسیده است. اما در باره مقاله شماره شش باید خاطر نشان کرد که بهترین راه برای برطرف کردن هر گونه ابهامی در زمینه موضوع مطالعه، مشخص کردن پرسشهای اصلی مطالعه است. هر مطالعه‌ای، زمانی قابل انجام است که ما حداقل در باره مسئله مورد بحث، سه یا چهار سؤال مرتبط با همدیگر داشته باشیم؛ آن سان که بخشهای مختلف مقاله ما صرف یافتن پاسخ همان پرسشها شود. اگر پرسشهای اصلی مطالعه معلوم نباشد، معلوم نخواهد شد که با توجه به مقدمات و استدلالها، آخرسر قرار است چه چیزی ثابت شود و مؤلف قرار است چه مدعایی را ثابت کند. تجربه نشان داده است که اگر تعداد پرسشهای اصلی بحث کمتر از سه تا یا بیشتر از چهار تا بود، محقق هنوز به انسجام ذهنی کافی نرسیده است و باید بحث را در ذهن خود بیش از این مرتب کند. چهار پرسش برای یک مقاله پژوهشی بسیار سنگین است و معمولاً سه پرسش — نه کمتر و نه بیشتر — منطقی‌تر و عملی‌تر است، مقاله حاضر یک سوال مطرح کرده است که برای مقاله علمی پژوهشی بسیار ناچیز است. هرچند به خوبی توانسته است به صورت مستند و با استدلال به ابیاتی از شاعر به پاسخ سوال خود دست یابد. تمام مطالب مقاله باید در ارتباط با فرضیه و سوال باشد. توجه به این مسأله نویسنده را از حاشیه رفتن و طرح مباحث اضافی در امان می‌دارد. فرضیه و سوال‌های تحقیق محورهای پژوهش را مشخص

کرده و خواننده را از هدف‌ها و موضوع اصلی آن آگاه می‌سازد. از ۶ مقاله‌ی مورد بحث، ۲ مقاله فاقد سوال‌های پژوهش هستند که موضوع مسأله محوری مقاله‌ها را کم رنگ کرده است. تنها مقاله شماره ۵ است که سوالات استاندارد و علمی و درخوری را بیان داشته است؛ در این مقاله سوال‌های پژوهش نیز به خوبی تبیین شده و رویکرد مسأله محوری کاملا مشهود است.

۶-۲. نتیجه‌گیری

آخرین بخش از مقاله علمی - پژوهشی، نتیجه‌گیری است. مؤلف حتما باید بحث خود را جمع بندی و نتیجه‌گیری کند. در نتیجه‌گیری از بحث، تصریح به چند مسئله ضروری است: اولاً، پاسخ پرسشهای اصلی، ثانیاً، ارزیابی میزان موفقیت کاربرد روش ما در دستیابی به نتایج، و ثالثاً، افقهای پیش رو و مطالعاتی که از این پس باید به منظور تکمیل این کوشش علمی پی گرفته شوند. نتیجه معمولاً شامل: تکرار جمله‌ی کلیدی با بیانی متفاوت، خلاصه‌ی نکته‌های مهم در تأیید جمله‌ی کلیدی و پیش‌بینی‌ها، پیشنهادها و آخرین نظر نویسنده بر اساس مطالب مقاله می‌باشد. (موحد، ۱۳۸۷: ۶۴) نکته دیگر آنکه نتیجه نباید شامل مطلب تازه‌ای باشد که در مقاله نیامده و نیاز به شرح دارد. (موحد، ۱۳۸۷: ۶۴)

فرایند نتیجه‌گیری در یک پژوهش علمی زمانی به درستی محقق می‌شود که داده‌های پژوهش با یک رویکرد مسأله‌محور و بر اساس یک مبنای نظری به شکل منسجم مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته باشد. از این رو برآیند مقاله‌ی پژوهشی صرفاً مبتنی بر چگونگی روش تحقیق و بررسی داده‌ها در بدنه‌ی اصلی است. در مقاله شماره یک، نتیجه هیچ انسجامی با عنوان مقاله و سوال‌های پژوهش ندارد به طوری که شبیه خاتمه موضوع است تا نتیجه؛ هیچ اشاره‌ای به مذهب تشیع شاعر نشده است چراکه براساس متن اصلی مقاله، نویسنده کوشیده است تا سبب ترک وطن ابن هانی را شیعی بودن وی قلمداد کند؛ نویسنده در نتیجه مقاله به مرگ شاعر و جان باختن او و آخرین قصیده‌ای که در مدح معز سروده می‌پردازد و سپس اشعار را شرح می‌دهد و جالب آن که در نتیجه (ص ۲۴۶) ارجاع هم می‌دهد؛ در قسمت نتیجه‌گیری مقاله، به طبع معنایی ندارد که به اثری دیگر ارجاع داده شود؛ چون هر چه در این قسمت بیان می‌شود، خلاصه‌ی مطالبی است که خودمان ثابت کرده ایم. به همین ترتیب، نقل هر چیزی غیر از نتایج بحث و نوآوریها در آن معنایی ندارد. در مقاله شماره دو با خواندن نتیجه چنین برداشت می‌شود که عنوان مقاله، بررسی تطبیقی طنز در دو زبان فارسی و عربی است؛ چراکه در نتیجه می‌خوانیم (ص ۱۶۴): «کاربرد

واژه طنز در زبان فارسی و عربی چه از لحاظ اصطلاحی و مفهومی و چه از لحاظ لغوی، تفاوت چندان محسوس با هم نداشته و اصطلاحاً طنز در زبان عربی، همان بار مفهومی را دارد که در زبان فارسی از آن اراده می‌شود، در هر دو زبان، مفهوم اجتماعی و فردی طنز لحاظ شده است... این دو زبان با لحنی نزدیک به هم، طنز را اصطلاحی ادبی دانسته‌اند که موجب عبرت است و...». این پاراگراف هیچ ارتباطی به نتیجه این مقاله ندارد چراکه نتیجه بایستی بدنبال پاسخی برای علل گسترش طنز در قرن چهارم باشد. روش تحقیق نویسندگان در مقاله شماره سه دلایل اصلی پیدایش موشح در اندلس می‌باشد. در این مقاله می‌بینیم که بخش «نتیجه‌گیری»، به خوبی تحلیل‌های انجام شده در بدنه‌ی پژوهش را در بر می‌گیرد. به بیان دیگر در مقدمه سوال را چنین مطرح کرده‌اند: آیا می‌توان به دلایل یقینی درباره پیدایش اصلی موشح دست یافت یا به علت تکرار زیاد برخی دلایل نادرست، مسئله مبهم و پیچیده شده است؟ که در نتیجه به قسمت اول سوال به خوبی پاسخ داده شده آن‌جا که می‌گوید: موشح بدون شک در پیدایش اولیه‌اش بیشتر مدیون آواز ملی اسپانیا و سپس موقعیت جغرافیایی، نوع حکومت و ضعف در زبان عربی بوده است (ص ۱۱) اما بخش دوم سوال را پاسخ نگفته است، بهتر است در نتیجه‌گیری خیلی هم به مختصر گویی پناه برده نمی‌شد به طوری که، نتیجه در سه خط خلاصه شده، در حالی که می‌شد با پاسخ مبسوط به بخش دوم سوال به نتیجه قابل قبول‌تری نایل آمد.

در مقاله شماره چهارم توجه به اینکه در بدنه‌ی اصلی به شرح و توضیح بخش‌های گوناگون دبیرخانه مرکزی و دبیران پرداخته شده، نتایج در ضمن بدنه‌ی اصلی موجود است و نگارندگان در بخش نتیجه‌گیری به گردآوری نتایج حاصل از این توضیحات پرداخته‌اند. در ارزیابی این بخش باید اذعان نمود که نتیجه‌ی گردآمده، همه توضیحات اجرا شده در بدنه‌ی اصلی را پوشش نمی‌دهد. در بدنه اصلی بر اساس گفته‌های قلقشندی هفت گروه از ارکان دبیرخانه برشمرده شده است در حالی که نتیجه به چیز دیگری اشاره دارد.

در مقاله شماره پنج کاملاً میان تحلیل‌ها و نتیجه به دست آمده تناسب وجود دارد. به عبارت دیگر نویسندگان در نتایج به سوالات پژوهش بصورت تمام و کمال پاسخ گفته‌اند.

مقاله شماره شش نتیجه چنین می‌گوید که شاعر به شکل‌های مختلف میان متون، شخصیت‌ها و اماکن دینی و غزل مادی تنیدگی ایجاد کرده است که این تنیدگی از سطح بینامتنیت متوازی تا متعالی را شامل می‌شود اما اشاره‌ای به این‌که چگونه تأثیر گذاری سخن را بیشتر کرده و وجوه زیبایی شناختی شعر را برجسته کرده است، نشده است؛ چرا که سوال پژوهش به چگونگی تأثیر گذاری توجه دارد.

۳. مبانی نظری پژوهش مقاله‌ها

پیش از ورود به بحث و در قسمت درآمد، باید به عنوان مقاله بنگریم و اگر در آن اصطلاحی به کار رفته است که معنایش ابهام دارد، توضیح دهیم. در ضمن بحث هم هر جا مسئله جدیدی مطرح می‌شود، باید اول در صورت لزوم از مفاهیم جدید بحثمان در آن قسمت، تعریف ارائه کنیم. با توجه به این‌که ادبیات تحقیق یا مبانی نظری، به تشریح مفاهیم، تعاریف و تاریخچه موضوع پژوهش می‌پردازد، نویسنده مقاله باید بر ادبیات تحقیق مسلط بوده و مبانی نظری موضوع تحقیق خود را به طور مختصر ولی کاربردی بیان نماید. مبانی نظری پژوهش باید با استناد و ارجاع علمی آورده شود و به نقد و تحلیل نظریه رقیب و نظریه تأکید کننده پردازد. با وجود این‌که در بیشتر مقاله‌های بررسی شده هر یک از نویسندگان تا حدی به مبانی نظری پژوهش خود اشاره کرده‌اند اما در مجموع چنین ارزیابی می‌شود که در برخی از آن‌ها تکیه بر مبانی نظری پژوهش نسبتاً سطحی بوده _ در حد ارائه چند تعریف _ و بهتر می‌بود که بیش از این به این بخش پرداخته شود.

برای مثال در مقدمه‌ی مقاله شماره یک نویسنده هیچ اشاره‌ای به مذهب شیعه اسماعیلی نکرده است چون با توجه به چکیده که سعی دارد یکی از ابهام‌های متوجه ابن هانی _ آیا ملحد و کافر است یا شیعی اسماعیلی؟ _ را پاسخ گوید، این خلأ احساس می‌شود؛ هرچند نویسنده مطالبی را ذکر کرده که نگریستن در اشعار ابن هانی و مطالعه حکام عصر وی دو مزیت دارد اول پرده برداشتن از چهره سنیهای مالکی و دوم کمک به رفع ابهام‌های پیرامون وی؛ اما هیچ استنادی به منابع ندارد که خود از جمله ضعف‌های پژوهش حاضر است.

در مقاله شماره دو نگارنده به طور کلی به طنز پرداخته است و مشخص نکرده است که طنز سیاسی است یا اجتماعی یا فردی یا...؟ اما با این حساب به تعاریف لغوی و اصطلاحی طنز (ص ۱۵۰) با تکیه بر معاجم و فرهنگ‌های لغت و منابع علمی پرداخته است همچنین به پیشینه تاریخی آن در دوره‌های مختلف پرداخته است البته کمی قصور در این میان به چشم می‌خورد که ناشی از کم بودن نمونه‌هاست. مبانی نظری پژوهش در مقاله شماره سه به خوبی زمینه را برای ورود به بدنه‌ی اصلی فراهم کرده است.

همچنین در مقاله شماره چهار، نویسندگان به خوبی توانسته‌اند مبانی نظری پژوهش را اعم از معرفی و شناساندن کتاب صبح الأعشی و نویسنده مشهور آن قلقشندی و همچنین معرفی آثار وی و نیز مفهوم ممالیک و گروه‌های مختلف آن، پیش ببرند و به بدنه اصلی مقاله ارتباط دهند و در این بین از استناد به منابع معتبر هم غافل نبوده‌اند.

در مقاله شماره پنج مبانی نظری پژوهش به طور دقیق و کامل تشریح شده و زمینه‌ی ترغیب خواننده برای ادامه‌ی خواندن مقاله فراهم گشته است. این مقاله مبتنی بر یک نظریه علمی منسجم، زمینه را برای تحلیل داده‌ها فراهم کرده است، از طرفی هم با ارتباط دادن تضمین و گونه‌های آن به نظریه تناص (بینامتنیت) و انواع آن به خوبی توانسته است مبانی نظری مد نظر مقاله را تشریح کند.

تحلیل داده‌های پژوهشی و شاهدمثال‌ها در مقاله شماره شش بسی قابل قبول بوده و با ارائه‌ی شاهدمثال‌ها و شرح کافی آن‌ها گامی محکم در رویکرد تحلیلی پژوهش برداشته و باعث شده است تا پژوهش رنگ و بوی علمی‌تری به خود بگیرد.

۴. نمونه‌هایی از نوآوری در مقاله‌ها

هر یک از مقاله‌ها به جهت تازگی و دست نخوردگی موضوع در نوع خود یک نوآوری محسوب می‌شود. با این وجود اشاره به بعضی از جنبه‌های نوآوری در برخی از موارد خالی از لطف نیست. به عنوان نمونه مقاله شماره دو می‌تواند خواننده را با اسباب گسترش طنز آشنا کند، شاید خواننده تا پیش از مطالعه مقاله چنین فکر کند که علل گسترش طنز محصور در رفاه و خوشگذرانی باشد چه در این صورت است که انسان به طنز و شوخی می‌پردازد، اما مقاله حاضر افق دید خواننده را وسعت می‌بخشد از جمله این‌که تشویق حاکمان تازه به استقلال رسیده به انواع ادبیات و مخصوصاً طنز سبب گسترش آن شده است.

در مقاله شماره سه به زیبایی دلایل اصلی پیدایش موشحات را نوع حکومت و ضعف در فهم زبان عربی و موقعیت جغرافیایی اندلس می‌داند.

مقاله شمار پنج نیز به این مطلب زیبا اشاره دارد که صفی‌الدین حلی علاوه بر تضمین آثار پیشینیان در پی آن است که نوعی تحول معنایی چاشنی کار خود کند و به بیت تضمین شده رنگی دیگر ببخشد بدین گونه که آن را در فضایی ناسازوار و در قالب معنایی جدید و متناسب با آن چه اراده کرده است، به کار می‌گیرد و از بیت معنایی غیر از معنای سراینده اصلی آن اراده می‌کند.

همچنین مقاله شماره شش با اشاره به این‌که شاب الظریف غزل مادی را با پیرنگ دینی به کار بسته و به اشکال مختلف میان متون، شخصیت‌ها، اماکن دینی و غزل مادی تنیدگی ایجاد کرده است که خود سبب تأثیرگذاری بر خواننده است توانسته است مطلب جدیدی را به علاقمندان عرصه ادبیات، عرضه نماید.

۵. میزان اعتبار منابع و دقت در استنادات

هنگامی که پژوهش‌گر قصد نگارش مقاله‌ای را داشته باشد، باید به منبع دست اول به کهن‌ترین منبعی که در باره مسئله، برای نخستین بار اطلاعاتی عرضه کرده باشد در همان زمینه مراجعه کند. ارجاع به منابع دست دوم و دست‌چندم، هرگز پذیرفته نیست؛ مگر وقتی که منابع دست اول واقعا از بین رفته باشند و اثری از آثار آنها باقی نباشد. این که من دسترسی به فلان کتاب ندارم، هرگز عذر موجهی برای استفاده از منابع دست دوم نیست. همچنین ارجاع به مطالعات مدرن و محققانه نشان دهنده میزان اعتبار پژوهش مدنظر است. در کل اعتبار منابع و دقت در استنادات در اکثر این مقاله‌ها از سطح کیفی خوبی برخوردار است؛ نگارندگان مقاله‌های شماره سه، پنج و شش از منابع تخصصی و معتبر علمی در پژوهش خود بهره برده‌اند؛ مقاله شماره سه مخاطب را با منابع تخصصی خوبی در زمینه موشحات و سراینده‌گان آن آشنا می‌سازد؛ جز این که گاهی ارجاع نادرست است، به عنوان نمونه (ص ۵) بیتی آمده که سراینده آن ابوبکر بن زهر است «أَيُّهَا السَّاقِي إِلَيْكَ الْمَشْتَكِي / قَدْ دَعَوْنَاكَ وَإِنْ لَمْ تَسْمَعْ»؛ اما متأسفانه در مقاله ارجاع به (ابن سناء الملك ص ۳۳) داده شده است که از منهج علمی به دور است. مقاله شماره پنج کتاب‌هاب مهمی را در زمینه شناخت انواع انوع تضمین در اختیار خواننده قرار می‌دهد و علاوه بر آن سعی کرده به دیوان شعرای پیشین که شاعر (حلی) از ایشان تضمین کرده است بدون واسطه ارجاع دهد و به بیان دیگر از منبع دست اول و دارای اهمیت استفاده شده است و مقاله شماره شش مهم‌ترین کتب در زمینه تناص و بینامتنیت را به ما معرفی می‌کند؛ افزون بر این که از مطالعات مدرن و محققانه و دست‌آوردهای پژوهشی نوین استفاده کرده است؛ اما مقاله شماره یک ارجاعات علمی ندارد، به طوری که گاه نام و نام خانوادگی ذکر شده، به عنوان نمونه (ص ۲۴۰) چنین آمده (محمد، الیعلوی، ص ۱۳۴) و گاهی فقط نام خانوادگی، به عنوان نمونه (ص ۲۳۸) آمده است (ابن الأثیر، ص ۶۲۱)؛ لذا می‌طلبید که روش ارجاع یکسان و بر اساس معیارهای علمی باشد یعنی (نام خانوادگی، سال: صفحه). گاهی هم ابیات عربی داخل متن مقاله ارجاع ندارد به عنوان نمونه (ص ۲۴۱) بیت: «فَإِنَّكَ لَمْ تَتْرَكَ عَلِيَّ الْأَرْضَ جَاهِلًا / وَإِنَّكَ لَمْ تَتْرَكَ عَلِيَّ الْأَرْضَ مَعْسَرًا» ارجاع ندارد آیا نباید در مقاله‌ای که پیرامون شرح و حال شاعری (ابن هانی) است، به دیوان وی مراجعه نمود، این توقع در برابر مقاله‌ای که در مجله علمی - پژوهشی معتبر جامعه دانشگاهی کشور، بسیار ناچیز است. در فهرست منابع این مقاله تشویش و بی‌نظمی وجود دارد اول آن که به ترتیب حروف الف باء نیست به طوری که عمر فروخ قبل از احمد صدر حاج سید جوادی آمده است، دوم آن که فهرست

منابع به پی‌نوشت بیشتر شبیه است تا فهرست منابع چراکه ۲۷ منبع ذکر شده ولی در حقیقت ۱۳ منبع وجود دارد به عنوان نمونه اسم محمد الیعلوی ۸ بار تکرار شده است. دیگر آن‌که در فهرست منابع نیازی به ذکر صفحه نیست به عنوان نمونه (ص ۲۴۷) در منبع شماره ۱ عمر فرووخ صفحه ۲۶۷ نیز آمده است. اما مقاله شماره دو در معرفی منابع تخصصی پیرامون طنز و هم دقت در ارجاعات و استنادات تقریباً ضعیف عمل کرده است. برای درک بهتر این موضوع به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم: الف: نبود ارجاع، در تعریف طنز (ص ۱۵۰) آورده است «این منظور این کلمه را چنین تعریف کرده است: طنز، یطنز، طنزاً: کلمه باستهزاء...»؛ اما ارجاع به این منظور نداده است. ب: وجود نداشتن کتاب در فهرست منابع با این‌که در متن به آن استناد شده است، به عنوان نمونه (ص ۱۵۱) از بدر الدین زاهد مطلبی نقل شده است ولی در فهرست منابع ذکر نشده است. ج: ارجاع ندادن به صاحب مسئولیت اثر، برای نمونه (ص ۱۵۱) مطلبی از قزیه ذکر شده اما ارجاع به (الحوفی، ص ۲۵۶) است؛ آن‌جا که می‌گوید: «اما (قزیه، ص ۳۵۹) طنز و فکاهه را آیین صاف، زلال و صادقی می‌داند... در خلال آن‌ها طنز پرداز قصد آن دارد تا حاکمان را هدایت کرده و به خود آورد». (الحوفی، ص ۲۵۶). همچنین (ص ۱۵۳) شاعری که مخالف سیاسی امویان بود، ابیاتی می‌سراید؛ اما نامی از شاعر نیامده است بلکه ارجاع به (قزیه، ص ۱۵۷) است؛ البته نشانی از ابیات عربی نیست بلکه به ترجمه فارسی اکتفا شده است؛ که درخور پژوهش علمی نیست. در (ص ۱۵۵) ابیاتی از «المهلبي» نقل شده و ارجاع به (قزیه، ص ۲۰۲) است. در واقع اگر قزیه را از این مقاله حذف کنیم دیگر سخنی برای گفتن ندارد مثلاً (ص ۱۶۰) اشعار از ابن معتز است و ارجاع (قزیه، صص ۲۰۴-۲۰۵) البته به نقل الأغانی، ج ۸، ص ۱۸۶) یا (ص ۱۶۱) ابیات از ابونواس است اما ارجاع (قزیه، ص ۲۰۷)، به نقل از دیوان ابونواس) بسیار جالب آن‌که البته بر اساس ارجاع نویسنده مقاله - حتی آقای قزیه هم دیوان ابونواس را ندیده و به نقل از آن ابیات را آورده است. د: عدم استناد: در (ص ۱۵۹) مطلبی نقل شده ولی مستند نیست آن‌جا که می‌گوید: «عرب صحراگردی، منصور را به «وبا» تشبیه کرده است». ه: ضعف در تنظیم مآخذ، چنانکه مشهود است ترتیب منابع بر اساس حروف الف باء نیست، به عنوان نمونه (ص ۱۶۵) ابتدا السیوطی آمده سپس المسعودی و بعد از آن بن محی الدین و سپس جاحظ، می‌آید. مقاله شماره چهار نیز دارای ضعف‌هایی در ارجاع است از جمله: الف: یکسان نبودن روش ارجاع، به گونه‌ای که گاهی به نام خانوادگی مؤلف ارجاع داده مثلاً (ص ۱۵۶) چنین آمده (السخاوی ج ۲، ص ۸) سپس در (ص ۱۵۹) هم به نام خانوادگی وهم به نام ارجاع

داده شده مانند (زیدان، جرجی، ص ۱۴۲). ب: در صورت تکرار منبع بدون آن که فاصله‌ای بین آن بیافتد، لفظ همان بکار برده می‌شود (شلیبی، ۱۹۹۲: ۱۱۶)، مؤلفین مقاله مذکور این مهم را در (ص ۱۶۰) رعایت نکرده‌اند بطوری که بلافاصله بعد از (زیدان، جرجی، ص ۱۴۳)، دوباره آمده است (زیدان، ص ۱۴۴). ج: نداشتن ارجاع: (ص ۱۷۳) آمده است: ابن حاجب النعمان در «ذخیره الکتاب» نوشته است: «در اصل از اسم فعل مأخوذ از درجتُ الکتاب أدرجتُه درجاً... گرفته شده است»؛ این جملات که در شرح «کتاب الدرّج» آمده است، ارجاع ندارند. با نگاهی به مجله ادب عربی و شیوه نامه ارسال مقالات، می‌یابیم که در مجله روش ارجاع، کاملاً شرح داده شده است و این کم دقتی نویسندگان است که روش‌های ارجاع در این شش مقاله یکسان نیست.

۶. میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات مقاله‌ها

برای نوشتن این ۶ مقاله از ۶۰ منبع اصلی استفاده شده که اکثر این منابع به بعد از سال ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد، و این مشخصه از جمله نقاط قوت مقالات از نظر روزآمدی و نو بودن داده‌ها به شمار می‌رود. همچنین از دست‌آوردهای پژوهشی نوین (مقاله، پایان نامه) در تدوین برخی از این ۶ اثر استفاده شده است که با توجه به موضوع مقالات که همگی متناسب با نیازهای رشته‌ی زبان و ادبیات عربی در ایران می‌باشند، کاری بس با ارزش به شمار می‌آید.

۷. وضعیت این موضوع تخصصی در مقاله‌های مورد پژوهش

در مجموع با توجه به این که رویکرد اتخاذ شده در برخی از مقاله‌های مورد بررسی، تحلیل و نقد ادبی با تکیه بر شواهد ادبی ادبی و متناسب با مبانی نظری پژوهش است، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت مقاله‌ها مطلوب ارزیابی می‌شود؛ اما مقالاتی که بدون در نظر گرفتن چارچوب کار پژوهشی و معیارهای آن پیش رفته‌اند نیازمند یک بازنگری کلی هستند.

۸. چند توصیه به سردبیران مجله‌ها و پژوهشگران جوان

با بررسی ۶ مقاله مذکور چنین برداشت می‌شود که برخی از نگارندگان محترم، به نگارش اصولی و علمی دو مقوله‌ی چکیده، مقدمه و نتیجه‌گیری نپرداخته، یا این که به راحتی از کنار آن‌ها گذشته و نسبت به آن‌ها بی‌توجه بوده‌اند؛ در حالی که چکیده معرفی‌کننده

موضوع مقاله و در بر دارنده‌ی اصلی‌ترین داده‌ها و یافته‌های پژوهش است و خواننده با نگاه کردن در آن است که مشتاق مطالعه کل مقاله می‌گردد؛ مقدمه نیز دروازه‌ی ورود به مقاله است که در آن اطلاعاتی چون اهداف، ضرورت، فرضیه، سوال و پیشینه‌ی تحقیق وجود دارد؛ علاوه بر آن نتیجه هر مقاله نیز حاصل یافته‌های پژوهش است و ارزش کار را مشخص می‌کند؛ لذا در تدوین آن بر اساس اصول و قواعد علمی باید دقت عمل به خرج داد. به همه‌ی پژوهشگران جوان و داوران محترم توصیه می‌شود که در نگارش این بخش‌ها و داوری آن دقت عمل بیشتری به خرج داده و به سادگی از آن چشم‌پوشند.

۹. نتیجه‌گیری

نوشتن مقاله‌ی علمی - پژوهشی نیازمند اصول و ضوابط صحیح ساختاری با تکیه بر استانداردهای تعریف شده، دقت، مهارت و تجربه‌ی فراوان است؛ چنین به نظر می‌رسد که در این زمینه، ضوابط و معیارهای لازم پیرامون کیفیت ساختار مقالات علمی - پژوهشی در برخی از این شش مقاله چاپ شده در مجله ادب عربی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رعایت نشده و در برخی دیگر رعایت شده است. تعدادی از مقاله‌ها دارای کاستی‌ها و نواقصی از قبیل: کلی بودن عنوان، عدم نگارش اصولی چکیده بر اساس استانداردهای مقاله‌ی علمی - پژوهشی، نداشتن پیشینه پژوهش، ارائه سطحی مبانی نظری، کلیشه‌ای و کلی بودن یافته‌ها، مقدمه اصولی نداشتن و فقدان رویکرد مسأله‌محوری، نبود دقت کافی در استنادها و ارجاع‌ها و نداشتن نتیجه هستند؛ در طرف مقابل مقاله‌های نیز یافت می‌شوند که دارای نقاط قوت و استانداردهای لازم می‌باشند؛ که از جمله‌ی آن می‌توان به نوآوری، مسأله‌محوری، استناد به منابع معتبر و داده‌های به روز و... اشاره کرد.

کتاب‌نامه

استاپلتون، پل، ۱۳۷۲، نگارش مقالات پژوهشی، ترجمه شعله بیگدلی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
چادگانی پور، مصطفی، ۱۳۷۳، نگارش علمی (فنون تهیه مقالات علمی و پایان‌نامه‌های تحصیلی)، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

حریرچی، فیروز و اصغری متی کلایی، ۱۳۸۸، دلایل اصلی پیدایش موشح در اندلس، ش ۱
حیدری محمود و دیگران، ۱۳۹۲، بینامتنیت دینی در غزل‌های مادی الشاب الظریف، سال پنجم، ش ۲
شلیبی، أحمد، ۱۹۹۲، کیف تکتب بحثاً أو رسالته، چاپ بیست و یکم، قاهره: مكتبة النهضة المصرية
فتوحی، محمود، ۱۳۹۱، آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی، ج ۹، تهران: نشر سخن.

ارزیابی و نقد مقالات حوزه ادبیات عصر میانه ۲۸۱

- فقهی، عبدالحسین و قاسمی موسوی، اسماعیل، ۱۳۸۸، بررسی مختصر ارکان دبیرخانه مرکزی دولت در عصر ممالیک بر اساس کتاب صبح الأعشی، ش ۱
- کرمی، بیژن، ۱۳۸۵، نگاهی به علل گسترش طنز در قرن چهارم هجری قمری بیژن کرمی، ش ۱۸۰
- گنجی، نرگس و اشراقی فاطمه، ۱۳۹۲، تضمین و گونه های آن در چکامه های صفی الدین حلی، ش ۱
- محمدرضایی، علیرضا، ۱۳۸۰، شرح حال ابن هانی شاعر شیعی اندلسی، ش ۱۵۷
- موحد، ضیاء، ۱۳۸۷، رساله ای در مقاله نویسی، چاپ اول، تهران: انتشارات نیلوفر.